

بررسی تأثیر نظام هنجاری در رعایت ملاک های مطلوب روزنامه نگاری

دکتر سید محمد مهدی زاده*

فریده مطیعی**

چکیده

با توجه به نقش خطیر مطبوعات در فرآیند توسعه فرهنگی و سیاسی جامعه و اهمیت نظام هنجاری مطبوعاتی در جهت دهی به مسیر و محتوای مطبوعات، پژوهش حاضر قصد دارد ضمن بررسی میزان رعایت ملاک های مطلوب روزنامه نگاری در روزنامه های کیهان، همشهری و اعتماد ملی، نقش گرایش سیاسی پاسخگویان در انتخاب نظام هنجاری و ارزیابی رعایت ملاک های مطلوب توسط روزنامه های نامبرده را نشان دهد. بدین منظور پس از مرور نظریه های هنجاری و پیشینه پژوهش، معیارهای مطلوب استخراج شده اند. تحقیق به روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه در میان ۲۸۰ نفر از روزنامه نگاران تهرانی که به شیوه نمونه گیری غیرتصادفی در دسترس انتخاب شده اند، انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین گرایش سیاسی پاسخگویان و نظام هنجاری مطلوب آنها رابطه معنی دار آماری وجود ندارد. نظام مطبوعاتی آزادی گرا، بیشترین طرفدار را در بین جمعیت نمونه داشته و ارزیابی پاسخگویان از رعایت معیارهای مطلوب روزنامه نگاری در روزنامه همشهری بیشتر از دو روزنامه دیگر است.

واژه های کلیدی: ملاک های مطلوب روزنامه نگاری، نگرش سیاسی، نظام هنجاری

mahdizadeh45@yahoo.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناس ارشد علوم ارتباطات

مقدمه

انسان‌ها برای زندگی، حفاظت از خود، ارتباط با یکدیگر و شناخت دوست و دشمن به خبر نیاز دارند و روزنامه‌نگاری نظامی است که جوامع برای فراهم آوردن خبر پدید آورده‌اند. به این علت است که برای ویژگی‌های خبر و اخباری که در اختیار ما قرار می‌گیرد، اهمیت قائلیم. چرا که اخبار و خبررسانی، زندگی، افکار و فرهنگ ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (کوواچ و روزنستیل، ۱۳۸۵: ۹)

روزنامه را بیش از کتاب چاپی می‌توان یک نوآوری - اختراع یک شکل ادبی، اجتماعی و فرهنگی نوین - به حساب آورد، حتی اگر در زمان خودش چنین انگاشته نشده بود. وجه تمایز این اختراع در مقایسه با سایر اشکال ارتباط فرهنگی عبارت بود از فردگرایی، واقع‌گرایی، سودآور بودن، عرفی بودن و بالاخره سازگاری با نیازهای طبقه جدید مانند بازرگانان و صاحبان حرف شهرنشینی. تازگی این رسانه در تکنولوژی یا شیوه توزیع آن نبوده، بلکه در این کارکرد بود که برای طبقه‌ای مشخص، حال و هوای سیاسی - اجتماعی دگرگونی داشت. تاریخ روزنامه بعدها مجموعه‌ای از مبارزات، پیشروی‌ها و عقب‌نشینی‌ها در راه آرمان آزادی و یا تاریخ مداوم پیشرفت‌های اقتصادی و تکنولوژیک بوده است. (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۰)

از مهم‌ترین عواملی که روزنامه و روزنامه‌نگاری را اهمیت می‌بخشد، اصول و معیارهای مطلوب روزنامه‌نگاری است. اصولی مانند حقیقت‌جویی، عینی‌گرایی، اصول اخلاقی، بیان آزاد افکار و عقاید، مسئولیت اجتماعی، ارائه اطلاعات به شهروندان، گفت و گوی مردم و به طور کلی اصولی که شناخت و اعمال آنها در بالا بردن جایگاه مطبوعات نقش اساسی دارند. اما روزنامه برای آن که بتواند رسالت و وظایف خود را به خوبی انجام دهد و نقش خویش را در توسعه و پیشرفت جامعه ایفا کند، قبل از هر چیز باید به جایگاه اجتماعی که در خور آن است، دست یافته و بتواند این جایگاه را حفظ کند. شاخص‌هایی که ما را در ارزیابی جایگاه مطبوعات در ایران یاری می‌کند، میزان اعتماد مردم به مطبوعات است و این اعتماد در گرو رعایت اصول، معیار و ملاک‌های مطلوب روزنامه‌نگاری از طرف روزنامه‌هاست. اما نتیجه یک نظرسنجی محدود در مورد وضعیت نظام اطلاع‌رسانی در کشور نشان می‌دهد که ۴۸ درصد مخاطبان، این وضعیت را متوسط و ۲۸ درصد نیز آن را ضعیف ارزیابی نموده و عمده‌ترین علت ضعف را ناشی از بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌ها عنوان کرده‌اند.

نتایج بعضی از تحقیقات در مورد مطبوعات در ایران نشان می‌دهد که میزان اعتماد مردم به مطبوعات در حد متوسط قرار دارد و سرانجام ارزیابی نظرات روزنامه‌نگاران و مدرسان ارتباطی کشور در یک نظرسنجی نشان داده است که اغلب آنها (۴۳/۸ درصد) معتقدند مردم به اخبار و مطالب روزنامه‌ها اعتماد ندارند. (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۷۵:۲۰۵)

نکته حائز اهمیت در این شاخص رابطه میان رسانه‌ها و حکومت یک کشور است. اصولاً دولتی بودن رسانه‌ها باعث کاهش نفوذ رسانه‌ها در مردم می‌شود. نتایج یک بررسی عمده در ایران نشان می‌دهد که یکی از علل مؤثر در شکل‌گیری ارقام فوق، دولتی بودن رسانه‌ها است: وقتی مردم رسانه‌ها را بازوی نظام بدانند، بدیهی است هر خطایی که نظام سیاسی مرتکب شود به حساب رسانه‌ها گذاشته خواهد شد. چنین نگرشی موجب می‌شود که به تدریج از نفوذ رسانه‌ها در میان مردم کاسته شود. در این شرایط، رسانه‌ها هر چقدر که در راستای اجرای وظایف و کارکردهای خود تلاش نمایند، باز هم نمی‌توانند مستقل از نظام سیاسی به موفقیت چندانی دست یابند، چرا که موفقیت آنها منوط به میزان مقبولیت و وجهه نظام سیاسی در میان مردم است. (کلهر و عبدی، ۱۳۷۰:۱۴۳)

بنابراین آزادی و استقلال مطبوعات از حیث مالکیت نیز یکی از معیارهای مطلوب در روزنامه‌نگاری است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود.

حال با توجه به اینکه روزنامه از لوازم جوامع پیشرفته است و در تشدید و تسهیل پیشرفت نقش دارد و نیز با توجه به این واقعیت که هدف و رسالت روزنامه‌نگاری، ارتقاء سطح فرهنگ عمومی، مردم‌سالاری و ارائه اطلاعات به شهروندان است، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه باید در جهت ارتقاء مطبوعات گام برداشت و چه ملاک‌هایی را باید در روزنامه‌نگاری در نظر گرفت تا حرکت ما در جهت مثبت و رسیدن به اهداف واقعی روزنامه‌نگاری باشد؟ تحقیق حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش به بررسی روزنامه‌های کیهان، اعتماد ملی و همشهری پرداخته و دو سؤال زیر را مطرح کرده است:

الف) نظام هنجاری مطلوب رسانه‌ای از دیدگاه روزنامه‌نگاران شهر تهران کدام است؟

ب) کدام یک از روزنامه‌های مورد بررسی، ملاک‌ها و معیارهای مطلوب روزنامه‌نگاری را بیشتر رعایت می‌کنند؟

فرضیه اصلی تحقیق حاضر این است که بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران، معیارها و

ملاک‌های مطلوب روزنامه‌نگاری از دیدگاه آنها رابطه وجود دارد.

در توجیه ضرورت و اهمیت این مسئله می‌توان گفت که مطبوعات از برجسته‌ترین شاخص‌های جامعه مدنی هستند که وضعیت آنها بیانگر میزان فاصله، تقابل یا نزدیکی شرایط موجود اجتماعی و سیاسی از موقعیت آرمانی، و تحقق یا عدم تحقق حقوق و آزادی‌های مشروع مدنی و سیاسی است. از این رو، بررسی و مطالعه جایگاه، عملکرد و وضعیت مطبوعات از یک سو و تلاش و برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت فعالیت و ایفای مسئولیت اجتماعی آنها از سوی دیگر، به عنوان ضرورتی مبرم جلوه‌گر می‌شود (فرقانی، ۱۳۷۷:۳).

در حقیقت نقشی که مطبوعات می‌تواند در توسعه جوامع داشته باشد، چشم‌گیر و با اهمیت است و به همان نسبت شناخت موانع توسعه مطبوعات هم که به منزله عوامل عدم ایفای این نقش است، ضرورت دارد. به طور کلی مطبوعات در زمینه توسعه فرهنگی می‌تواند با آمیختگی، توازن و پیوند نوآوری‌ها به سنت‌های بارور و کهن نقش اساسی داشته باشد. همچنین مطبوعات در حوزه سیاسی می‌تواند با گسترش ظرفیت نظام سیاسی در ابداع، تطبیق و تحول‌پذیری، تحکیم و اشاعه هویت دینی و ملی، افزایش روحیه مشارکت، رقابت، اعتماد و تقویت سازوکارهای حل اختلاف، جامعه را به سطوح بالایی از آگاهی و تعالی سیاسی بکشانند. در زمینه رشد اقتصادی، مطبوعات قادر است در بخش‌های مؤثر جامعه، هم انتظارات، توقعات و مطلوبیت‌ها را افزایش دهند و هم دانش، مهارت و ظرفیت انسانی توسعه را ارتقاء بخشند. مطبوعات در حوزه آموزشی، هم در زمینه تقویت و تحکیم مبانی فرهنگ عمومی، زبان و هم در زمینه آموزش‌های تخصصی، قابلیت و قدرت درخور توجهی دارند. در صورت شناخت نقش و جایگاه واقعی مطبوعات و تلاش برای رفع موانع ساختاری توسعه، می‌توان به بالا رفتن ظرفیت نوآوری و بازآفرینی نظام اجتماعی - فرهنگی امیدوار بود. (خانیک، ۱۳۸۱: ۳۶)

دستیابی به این مهم و موفقیت مطبوعات در ایفای نقش و رسالت خود در گرو این است که مردم به آنها اعتماد داشته و برای آنها ارزش قائل شوند. این مسئله نیز خود منوط به وجود معیارها و ملاک‌های روشن و تعریف شده برای حرفه روزنامه‌نگاری و پای‌بندی روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران با این معیارهاست. این امر به ویژه در رابطه با روزنامه‌های کثیرالانتشار و سراسری که در مقیاس ملی منتشر می‌شوند، از اهمیتی دو چندان برخوردار است. بنابراین، انجام پژوهش‌های

علمی گسترده در خصوص ملاک‌های مطلوب روزنامه‌نگاری و میزان پای‌بندی به آنها در میان روزنامه‌هایی که نماینده طیف‌های مختلف فرهنگی و سیاسی باشند، به منظور ترسیم نظام هنجاری مطلوب رسانه‌ای در جامعه کنونی ایران، ضرورتی است انکارناپذیر.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

گرایش سیاسی: گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی سیاسی افراد نسبت به مقوله‌های کلان و خرد حوزه سیاست و حاکمیت براساس تمایزات سیاسی راست، چپ، یا اصلاح طلبانه و محافظه‌کارانه. متغیر اسمی با دو مقوله محافظه‌کار(اصول‌گرا) و اصلاح طلب.

معیار: هر دستور، قاعده یا اصلی که براساس آن در امور مورد نظر قضاوت یا داوری شود. **عینیت‌گرایی^۱:** شناختی که در مرز شواهد، اشیاء و هر آنچه عینیت دارد، متوقف شود و نمی‌تواند و نباید به ارزیابی انتقادی و نتیجه‌گیری جانبدارانه ایدئولوژیک و حزبی منتهی شود. این معیار با گویه‌هایی مانند گزارش متوازن و منصفانه، تفکیک خبر از تفسیر و ارائه رویدادها، بدون دخالت دیدگاه‌های شخصی سنجیده می‌شود.

بیان حقیقت: حقیقت یعنی انطباق شناخت با واقعیت‌های موجود. این معیار با سه گویه سنجیده شده است: ارائه اطلاعات درست به مخاطبان، رعایت صداقت و درستی در اخبار و انتشار حقایق تا جایی که به امنیت مملکت خدشه وارد نکند.

مسئولیت اجتماعی: رعایت هنجارهای اجتماعی از طرف روزنامه‌نگار و احساس مسئولیت وی در قبال رویدادهای خرد و کلان که با فرهنگ و مصالح جامعه در ارتباط هستند. این معیار با گویه‌هایی در خصوص توجه به واقعیت‌های عینی و ارائه اخبار و تفسیرهای منصفانه، احترام به استقلال، حاکمیت ملی و نظم عمومی، خودداری از قبول هر گونه فشار و تهدید برای انتشار یا عدم انتشار مطالب سنجیده شده است.

مطبوعات به عنوان حوزه عمومی: تلقی مطبوعات به عنوان عرصه‌ای فارغ از روابط قدرت و ثروت که روزنامه‌نگاران، با استفاده از بحث‌ها و انتقادات منطقی و درباره مسائل مورد علاقه همگان، مبادرت به انتشار مطالب می‌کنند. این معیار با گویه‌های زیر بررسی شده است: ایجاد فضای مناسب برای بازتاب انتقادات مردم، باز بودن روزنامه به روی تمامی اقشار،

¹. Objectivism

دموکراتیک بودن فضای حاکم بر روزنامه‌ها، طرح باز و آزادانه مسائل.
رعایت حریم خصوصی: یعنی توجه به شأن و منزلت افراد و نگهداری اسرار شخصی آنها. این معیار نیز با گویه‌هایی چون پرهیز از درج مطالبی که موجب لطمه زدن به احترام و شهرت افراد شود و رعایت اصل رازداری بررسی شده است.

فرضیه های تحقیق

بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و ارزیابی آنها از رعایت معیار مسئولیت اجتماعی در روزنامه‌های مورد بررسی، رابطه وجود دارد.
بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و ارزیابی آنها از رعایت معیار حفظ حریم خصوصی در روزنامه‌های مورد بررسی، رابطه وجود دارد.
بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و ارزیابی آنها از رعایت معیار عینیت‌گرایی در روزنامه‌های مورد بررسی، رابطه وجود دارد.
بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و ارزیابی آنها از رعایت معیار مطبوعات به عنوان حوزه عمومی در روزنامه‌های مورد بررسی رابطه وجود دارد.
بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و ارزیابی آنها از رعایت معیار استقلال و آزادی مطبوعات در روزنامه‌های مورد بررسی، رابطه وجود دارد.
بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و نظام هنجاری مرجح آنها رابطه وجود دارد.

پیشینه نظری و تجربی پژوهش

به منظور شناخت معیارها و ملاک های مطلوب روزنامه‌نگاری و ارزیابی آنها در روزنامه‌های ایران، شناخت نظریه‌های هنجاری و ارزشی که رسانه‌ها را به جامعه پیوند می‌زند، ضرورت می‌یابد. آگاهی به این نظریه‌ها موجب می‌شود تا بتوانیم هم نظام فعلی را بشناسیم و هم نظام مطلوب را برای مطبوعات ایران تشخیص دهیم. نظریه‌های هنجاری شش دسته شامل نظریه اقتدارگرا، نظریه مطبوعات آزاد، نظریه مسئولیت اجتماعی، نظریه رسانه‌های شوروی (نظریه مسلکی)، نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش و نظریه مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها هستند که در زیر به شرح مختصر آنها می‌پردازیم:
نظریه اقتدارگرا به وضعیت مطبوعات در اولین جوامعی اشاره دارد که مطبوعات در آنها

ظاهر شده‌اند. این جوامع به طور عمده دارای حکومت‌های پادشاهی بوده و در آنها مطبوعات در سیطره قدرت دولت و منافع طبقه حاکم قرار داشتند. رئوس نظریه اقتدارگرا را می‌توان در شش اصل کلی خلاصه کرد:

اول اینکه، رسانه‌ها نباید دست به اقدامی بزنند که قدرت موجود را تضعیف کند یا مخمل نظم شود. دوم اینکه، رسانه‌ها باید همیشه (و در نهایت) مطیع یا تابع قدرت مستقر باشند. اصل سوم این است که رسانه‌ها باید از توهین به اکثریت یا ارزش‌های غالب اخلاقی و سیاسی بپرهیزند. اصل چهارم، به موجه بودن سانسور برای اجرای اصول اساسی می‌پردازد. اصل بعدی ناظر به این مسئله است که حمله غیرقابل قبول به مراجع قدرت، انحراف از سیاست رسمی یا توهین به اصول اخلاقی را باید جرم به شمار آورد، و بالاخره اینکه، روزنامه‌نگاران یا دیگر شاغلان/کارکنان رسانه‌ها در درون سازمان رسانه‌ای خود هیچ استقلالی ندارند (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۱۶۴-۱۶۲).

نظریه مطبوعات آزاد، در ابتدایی‌ترین صورت خود، توصیه می‌کند که هر فرد باید آزاد باشد تا هر چه را می‌خواهد منتشر کند و در این حد در واقع گسترش چند حق دیگر (حق آزاد بودن در داشتن عقیده، آزاد بودن در بیان عقیده، و حق تجمع و ایجاد تشکل) است. پس اصول و ارزش‌های پشت سر نظریه همان ارزش‌های دولت لیبرال - دموکراتیک است. باور به برتری فرد، خرد، حقیقت و پیشرفت و در نهایت حاکمیت اراده مردم. یکی از دایه‌های محوری و مکرر این نظریه، بیان آزاد و عمومی، بهترین راه رسیدن به حقیقت و پرده برداشتن از خطاست. از این منظر، مطبوعات آزاد جزء اساسی یک جامعه آزاد و خردگرا انگاشته می‌شود. با قرار گرفتن در معرض دیدگاه‌های گوناگون می‌توان به نزدیک‌ترین تقریب از حقیقت دست یافت و پیشرفت جامعه به انتخاب راه حل‌های درست به جای راه حل‌های غلط بستگی دارد. مطابق با این نظریه، نشریات باید از خطر سانسور در امان باشند، عمل انتشار و توزیع باید بدون نیاز به هیچ مجوزی توسط هر فرد یا گروهی آزاد باشد. حمله به حکومت، مقامات یا حزب سیاسی (برعکس حمله به افراد و خیانت یا تهدید امنیت) قابل تعقیب نیست. حتی بعد از وقوع، برای نشر هیچ مطلبی، نباید فشار و اجباری در کار باشد. نشر «نظر اشتباه» هم درست مثل نشر «حقیقت» در مسائل مربوط به عقیده و باور تحت حمایت قانون قرار دارد. هیچ محدودیتی نباید برای صادرات و واردات یا ارسال و دریافت پیام‌های برون مرزی اعمال

شود، و اینکه روزنامه‌نگاران باید در درون سازمان خود به میزان قابل ملاحظه‌ای از استقلال حرفه‌ای برخوردار باشند. (ویتور، ۱۹۷۳: ۱۶۸-۱۶۴)

نظریه مسئولیت اجتماعی بر این فرض استوار است که رسانه‌ها وظایفی اساسی در جامعه برعهده دارند که مهم‌ترین آنها به سیاست دموکراتیک مربوط می‌شود و رسانه‌ها باید به انجام این وظایف متعهد شوند. بنابراین، نظریه مسئولیت اجتماعی می‌کوشد استقلال رسانه را با تعهد آن در قبال جامعه بیامیزد. از این منظر، مالکیت و کنترل رسانه‌ها نوعی خدمت به عموم مردم تلقی می‌شود و نه کوششی خصوصی. پس در واقع، ما با دور شدن از نسبی‌گرایی در مورد اهداف (که مشخصه نظریه مطبوعات آزاد است) و ترک این خوش‌بینی که بازار آزاد افکار موجب تامین منافع اجتماعی می‌شود، روبه‌رو هستیم.

مشاهده می‌شود که نظریه مسئولیت اجتماعی مجبور است سه اصل نسبتاً ناسازگار را با هم سازگار سازد: آزادی و انتخاب فرد، آزادی رسانه و تعهد رسانه نسبت به جامعه. برای حل این ناسازگاری‌های بالقوه راه حل واحدی وجود ندارد، اما نظریه مذکور به دو نوع راه حل اصلی متمایل است. اول، رشد نهادهای عمومی اما مستقل برای مدیریت پخش امواج؛ این راهکار در واقع تحولی است که به نوبه خود دامنه و استحکام سیاسی مفهوم مسئولیت اجتماعی را گسترش می‌دهد. راهکار دوم، نظریه مسئولیت اجتماعی، رشد بیشتر حرفه‌ای‌گرایی است. حرفه‌ای‌گرایی می‌تواند به عنوان ابزار تحقق استانداردهای بالاتر عمل مورد استفاده قرار گرفته و در عین حال اصل خود - مدیریتی رسانه‌ها را نیز حفظ نماید. ویژگی نهادهای دولتی پخش امواج، این است که سهم زیادی در سازگار کردن اصول بالا با یکدیگر دارند. این سازگاری از راه تأکید کردن بر بی‌طرفی و عینیت در رابطه با حکومت و موضوع‌های مسئله برانگیز اجتماعی صورت می‌گیرد. این نهادها دارای سازوکارهایی هستند که رسانه مورد نظر را به تقاضاهای مخاطبین حساس کرده و در مقابل جامعه، پاسخگوی اعمال خود می‌سازد. همچنین حرفه‌ای‌گرایی که توسط نظریه مسئولیت اجتماعی تبلیغ می‌شود، در برگیرنده تأکید بر استانداردهای بالای اجرایی و همچنین فضایل تعادل و بی‌طرفی است که در رسانه‌های موج افشان (رادیو و تلویزیون) بیش از همه رشد کرده است. اصول اساسی نظریه مسئولیت اجتماعی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

رسانه‌ها باید تعهدات مشخصی را در مورد جامعه پذیرفته و انجام دهند. این تعهدات را با

گذشتن استانداردهای بالا یا حرفه‌ای آگاهی بخشی، حقیقت، دقت، عینیت و تعادل می‌توان به جا آورد و پذیرش و اجرای این تعهدات مستلزم آن است که رسانه‌ها در چارچوب قانون و نهادهای مستقر خودگردان عمل کنند. اصل مهم دیگر در این نظریه، این است که رسانه‌ها باید از هر چیزی که احتمال دارد به جرم، خشونت، بی‌نظمی اجتماعی و یا تهاجم به گروه‌های اقلیت بینجامد، جلوگیری کنند. همچنین رسانه‌ها به طور کلی باید کثرت‌گرا بوده و گوناگونی‌های موجود در جوامع را بازتاب داده و دسترسی به نقطه‌نظرهای گوناگون و حتی پاسخ‌گویی افراد را امکان‌پذیر سازند. جامعه و عموم مردم، بر اساس نخستین اصل این نظریه، از این حق برخوردارند که از استانداردهای بالای عمل بهره‌مند شوند. پس دخالت برای تضمین عرضه این کالاهای عمومی قابل توجیه است. در نهایت اینکه روزنامه‌نگاران و متخصصان رسانه‌ها باید در مقابل جامعه، کارفرمایان و بازار پاسخگو باشند. (اسمیت، ۱۹۷۷: ۱۷۱-۱۶۹)

چهارمین نظریه هنجاری در خصوص معیارهای روزنامه‌نگاری، نظریه رسانه‌های شوروی (نظریه مسلکی) بوده و بر چند اصل اساسی مبتنی است: نخست، در جامعه سوسیالیستی بنا به تعریف، طبقه کارگر قدرت را در دست دارد و برای حفظ قدرت، کنترل ابزار تولید فکری لازم است. پس همه رسانه‌ها باید تحت کنترل سازمان‌های طبقه کارگر (در درجه اول حزب کمونیست) باشند. دوم این‌که، جوامع سوسیالیستی تمایل دارند جامعه‌هایی بی‌طبقه باشند (یا هستند)، پس قاعدتاً باید عاری از تضاد طبقاتی باشند. در نتیجه مطبوعات نیز نباید براساس تضاد سیاسی سازمان یابند. دامنه تنوع عقیده و مجادله مشروع، عناصر واپس‌گرا و عقب مانده از زمان و یا مضر برای قوانین اساسی جامعه را شامل نمی‌شود. سوم این‌که مطبوعات دارای نقشی مثبت در شکل‌گیری جامعه و حرکت به سوی کمونیسم هستند. پس وظایف مهمی در جهت اجتماعی کردن، کنترل اجتماعی غیررسمی و برانگیزاندن مردم در جهت اهداف برنامه‌ریزی شده اقتصادی و اجتماعی برعهده آن‌هاست. به طور مشخص، این وظایف به پیشبرد دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی برمی‌گردد. چهارم این‌که مارکسیسم به قوانین عینی تاریخ باور دارد. پس، از این دیدگاه یک واقعیت عینی در خارج موجود است که کار مطبوعات منعکس کردن آن است. چنین دیدگاهی جای زیادی برای تفسیر فردی باقی نمی‌گذارد و مجموعه‌ای از ارزش‌ها برای خبر به وجود می‌آورد که با ارزش‌های موجود در نظام مطبوعاتی لیبرال فاصله زیادی دارد. بالاخره، براساس نظریه عمومی دولت شوروی لازم

می‌آید که رسانه‌ها تحت کنترل نهایی ارگان‌های دولت باشند و با سایر ابزارهای حیات سیاسی یگانه (سازگار) شوند.

بنابراین، طبق این نظریه، رسانه‌ها نباید دارای خصوصی باشند و یا به صورت مالکیت خصوصی اداره شوند، بلکه باید به منافع طبقه کارگر خدمت کرده و تحت کنترل این طبقه باشند. آنها در قالب وظایف کلی که برای جامعه انجام می‌دهند، باید پاسخگوی خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان خود نیز باشند، اما جامعه از این حق برخوردار است که با استفاده از سانسور و سایر ابزارهای قانونی مانع انتشار مطالب ضداجتماعی شده و یا نشرکنندگان این نوع مطلب را کیفر دهد. بالاخره اینکه، روزنامه‌نگاران متخصصان حرفه‌ای متعهدی هستند که اهداف و آرمان‌هایشان باید با منافع جامعه انطباق داشته باشد. (همان: ۱۷۴-۱۷۲)

هیچ‌کدام از چهار نظریه‌ای که پیش‌تر بحث شد در مورد کشورهای در حال توسعه کاربرد ندارند، درحالی‌که امروزه توجه بسیاری به موضوع‌های مربوط به ارتباطات در جهان سوم مبذول می‌شود. همین توجه نقطه آغاز نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش است. این نظریه از نقش مثبت رسانه‌ها در توسعه ملی دفاع می‌کند، استقلال و هویت فرهنگی هر جامعه خاص ملی را ارج می‌نهد و تا حدود زیادی طرفدار مسئولیت دموکراتیک و مردمی بوده و به همین جهت از مدل‌های ارتباطی مشارکتی حمایت می‌کند. این مواضع از یک سو تعمیم همان اصول استقلال و مخالفت با اقتدار طلبی و از سوی دیگر کوششی برای به رسمیت شناختن نیازی است که برای تحقق توسعه از رهگذر ابزار همیاری و تعاون وجود دارد. عاملی که بیش‌ترین انسجام را به نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش می‌دهد، پذیرش توسعه اقتصادی (و بنابراین دگرگونی اجتماعی) و همبسته با آن ملت‌سازی، هدف نهایی است. بر این اساس ممکن است بعضی آزادی‌های رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران تحت‌الشعاع مسئولیت‌هایشان قرار گیرد و هم‌زمان با آن، اهداف جمعی به جای آزادی فردی مورد تأکید واقع شود. یک عنصر نسبتاً ثابت در نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش تأکید بر حق برقراری ارتباط براساس ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است: هرکس این حق را دارد که از آزادی عقیده و بیان برخوردار شود. این حق شامل آزادی داشتن عقیده بدون دخالت دیگران و جست و جو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها از طریق هر رسانه‌ای، بدون توجه به ملاحظات مرزی است.

اصول اساسی نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش به شرح زیر هستند:

رسانه‌ها باید وظایف توسعه‌بخشی مثبتی را که مبتنی بر سیاست تثبیت شده ملی است، پذیرفته و به آن عمل کنند. باید بتوان براساس اولویت‌های اقتصادی و نیازهای توسعه‌ای جامعه، آزادی رسانه‌ها را محدود کرد، رسانه‌ها باید در محتوای مطالب خود اولویت را به فرهنگ و زبان ملی و در زمینه اخبار و اطلاعات، اولویت را به پیوندهای خود با کشورهای در حال توسعه‌ای بدهند که از نظر جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی به آنها نزدیک‌اند. روزنامه‌نگاران و سایر شاعلین رسانه‌ها در زمینه وظایف خویش یعنی گردآوری اطلاعات و پخش و نشر، در عین حال که دارای مسئولیت هستند، باید از آزادی نیز برخوردار باشند، و سرانجام این‌که، دولت حق دارد به نفع اهداف توسعه‌ای در فعالیت‌های رسانه‌ها مداخله کرده یا آنها را محدود کند و در این راه، استفاده از ابزار سانسور، یارانه و کنترل مستقیم قابل توجیه است. (مک براید و دیگران، ۱۹۸۰: ۱۷۷-۱۷۴)

آخرین نظریه‌های هنجاری که در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد، نظریه مشارکت دموکراتیک رسانه‌هاست. خاستگاه اصلی این نظریه جوامع توسعه‌یافته لیبرال است، اما برخی عناصر آن با نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش مشترک است، به ویژه تأکیدی که بر زیربنای جامعه و بر ارزش ارتباطات افقی به جای عمودی (بالا و پایین) دارد. محرک اولیه این نظریه نشان دادن واکنش به تجاری شدن و انحصاری شدن رسانه‌های در اختیار بخش خصوصی و تمرکزگرایی و بوروکراتیکی شدن نهادهای بخش عمومی، منطبق با هنجارهای مسئولیت اجتماعی است. نکته محوری در نظریه مشارکت دموکراتیک، نیازها، علایق و آرزوهای دریافت‌کننده فعال در یک جامعه سیاسی است. این نیازها و علایق به حق داشتن اطلاعات ذی‌ربط، حق پاسخگویی و حق استفاده از ابزارهای ارتباطی برای کنش متقابل در اجتماعات کوچک، گروه‌های هم‌نفع و خرده فرهنگ‌ها مربوط می‌شوند. این نظریه ضرورت وجود رسانه‌های یکنواخت، متمرکز، پرهزینه، بسیار حرفه‌ای، بی‌تفاوت و تحت کنترل دولت را نفی می‌کند و طرفدار چندگانگی، کوچکی مقیاس، محلی بودن، نهادزادی، جابه‌جایی نقش‌های فرستنده و دریافت‌کننده، پیوندهای ارتباطی افقی در همه سطوح جامعه، کنش متقابل و تعهد است. (استینبرگ: ۱۹۷۰)

طبق اصول و مبانی این نظریه، تک‌تک شهروندان و گروه‌های اقلیت از این حق برخوردارند که به رسانه‌ها دسترسی داشته باشند (حق برقراری ارتباط) و آنچه را خود فکر می‌کنند که بدان نیاز دارند از رسانه‌ها دریافت کنند. موسسات و محتوای رسانه‌ها نباید تحت کنترل متمرکز سیاسی یا دولتی باشد. رسانه‌ها در درجه اول متعلق به مخاطبین خود هستند و نه سازمان‌های

رسانه‌ای. مخاطبان حرفه‌ای یا مشتریان رسانه‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها و اجتماعات محلی باید رسانه‌های خود را داشته باشند. رسانه‌های (کوچک)، تعاملی و مشارکتی بهتر از رسانه‌های پهن دامنه، یک‌سویه و حرفه‌ای هستند. برخی نیازهای اجتماعی مربوط به رسانه‌ها توسط تقاضای مصرف‌کنندگان فردی یا دولتی و نهادهای اصلی‌اش به خوبی بازتاب نمی‌یابد، و در نهایت اینکه، ارتباطات مهم‌تر از آن است که صرفاً به متخصصان حرفه‌ای سپرده شود. (همان: ۱۸۰-۱۷۷)

در یک جمع‌بندی کلی از مباحث نظری می‌توان گفت: رسانه‌های جمعی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، از نقشی مهم و خطیر در فرآیند توسعه، آگاهی بخشی و ایجاد تعادل، وفاق و یگانگی در جامعه و پیوند میان گروه‌های مختلف اجتماعی برخوردارند. اما از آنجایی که در هر جامعه‌ای گروه‌های مختلف اجتماعی با نگرش‌ها، ارزش‌ها، منافع و علایق متفاوت و بعضاً متضاد وجود دارند، دور از ذهن نیست که هر کدام از این گروه‌ها در صدد حاکم کردن ارزش‌ها و دیدگاه‌های خود بر رسانه‌ها برآمده تا از طریق آنها محتوا و مسیر افکار عمومی را در راستای منافع خود جهت‌دهی کنند. آنچه که می‌تواند از این مسئله جلوگیری و به رسانه‌ها کمک کند تا وظایف و رسالت خود را به خوبی ایفا نمایند، وجود معیارهای مطلوب و مدونی است که مورد وفاق و اجماع تمامی اصحاب رسانه بوده و مخاطبین به طور عام و نیز سیاستمداران و برنامه‌ریزان اجرایی نیز در خصوص آنها توافق نظر داشته باشند. کند و کاو در ادبیات نظری مربوط به این حوزه، شش نظریه متفاوت را پیش روی ما می‌نهد که هر کدام از آنها معیارهای مطلوب مورد نظر خود را دارند. واضح است که این نظریه‌ها در خلاء شکل نگرفته‌اند بلکه محصول شرایط اجتماعی و تاریخی خاص جامعه‌ای هستند که در آن رشد کرده‌اند. اما این به معنای آن نیست که نمی‌توان از آنها برای تحقیق در زمینه‌های اجتماعی متفاوت و استخراج معیارهای مطلوب برای آن استفاده نکرد. چرا که رسانه‌های جمعی علاوه بر یک وجه خاص و محلی، دارای یک بعد عام و جهانی نیز هستند و عامل اصلی فرآیندهای جهانی شدن به شمار می‌روند. اما می‌توان در تحقیقات مختلف بنا به شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتضات عملی، جرح و تعدیل‌هایی در آنها صورت داده و آنها را بر شرایط محلی منطبق کرد. در این زمینه، تحقیقات متعددی در خصوص نگرش روزنامه‌نگاران به معیارها و ملاک‌های روزنامه‌نگاری در ایران صورت گرفته‌اند که مرور آنها می‌تواند به غنای تحقیق حاضر کمک کند: خان احمدی (۱۳۷۶)، در پژوهشی با عنوان اصول اخلاق حرفه روزنامه‌نگاری از دیدگاه

روزنامه‌نگاران ایران ضمن بررسی دیدگاه‌های ۸۰ نفر از روزنامه‌نگاران شاغل در تحریریه بخش‌های خبری گروه‌های مطبوعاتی مختلف در تهران و شهرستان‌ها نتیجه می‌گیرد که روزنامه‌نگاران بر روی گویه‌های زیر توافق دارند:

ضمن رعایت اصل رازداری، از هتاکی و فحاشی به مقامات ملی، مذهبی و سیاسی جامعه خودداری کند؛ اسرار خصوصی و منافع افراد را محترم شمرد؛ براساس اصل حاکمیت ملی، باید با استبداد داخلی و خارجی مقابله نمود؛ شرافت حرفه‌ای، اصل عینیت، توجه به صحت و قطعیت، عدل و انصاف را رعایت کرد. همچنین روزنامه‌نگار باید راهنمایی، هدایت و انعکاس افکار عمومی را از وظایف خود بداند و با مظاهر فرهنگ استعماری نظیر اسراف، تپذیر و تجمل‌پرستی در جامعه مبارزه کند. ضرورت آزادی مطبوعات را درک و برای فعالیت‌های خود محدودیت‌هایی را قائل باشد. روزنامه‌نگار نباید تحت تاثیر عوامل گوناگون اقدام به خودسانسوری کند، و بالاخره اینکه جداسازی خبر از تفسیر، ضرورتی اساسی برای روزنامه‌نگار است.

نتایج تحقیق ملک لو (۱۳۷۶) نشان می‌دهد که از دید روزنامه‌نگاران شهر تهران اعضای هیئت منصفه دادگاه‌های مطبوعاتی نباید از میان افراد متخصص و مسئول دولتی انتخاب شوند. در قانون فعلی مطبوعات و وظایف، رسالت‌ها و حقوق مطبوعات به طور دقیق مشخص نشده است. در حرفه روزنامه‌نگاری نباید در جهت تامین مصالح حکومت وقت مطلب نوشت. انتشار آزادانه هر مطلب، تصویر و یا تفسیری تحت هر شرایطی در روزنامه جایز نیست. روزنامه‌نگار نمی‌تواند به عنوان یک فرد در حرفه خویش به طور مستقل عمل کند و در نهایت، مسئولیت اجتماعی روزنامه‌نگار مهم‌تر از آزادی مطبوعات است.

طبق نتایج تحقیق بروجردی (۱۳۷۵)، روزنامه‌نگاران روزنامه‌های شهر تهران، تلاش در جهت حفظ هویت فرهنگی، زبان ملی، آموزش، آگاهی‌رسانی، کمک به پیشرفت و توسعه اجتماعی، بسیج عمومی، سازندگی ملی، مبارزه با فقر و بی‌سوادی و نیز دادن آگاهی‌های سیاسی را از جعل وظایف در سالن‌های مطبوعاتی دانسته‌اند.

بدیعی (۱۳۸۳) نیز در پژوهشی با عنوان معیارهای روزنامه‌نگاری مطلوب در ایران ضمن بررسی دیدگاه‌های ۱۵ استاد دانشگاه و ۲۰ روزنامه‌نگار، الگوی روزنامه‌نگاری مطلوب در ایران را از چهار جنبه بررسی کرده است:

اصول معیارهای حرفه‌ای (برخورداری از استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی، رعایت اخلاق حرفه روزنامه‌نگاری، داشتن تشکل‌های مستقل حرفه‌ای، ضرورت آموزش‌های تخصصی، امکان فعالیت مساوی زنان، مردان و...):

اصول روزنامه‌نگاری (صداقت و درستی در انتشار اخبار و رویدادها، توجه به صحت مطالب در گزارشگری، انتقاد سازنده از نارسایی‌ها و کمبودها، رعایت اصل عینیت و بی‌طرفی در انتشار اخبار و...):

مطبوعات و حکومت (مبارزه با اعمال نظر مقامات دولتی، برخورداری از تضمین آزادی، پرهیز از سخنگوی دولت شدن، عدم حمایت از قدرت سیاسی حاکم و...):

مطبوعات و جامعه (کوشش در روشننگری افکار عمومی، کمک به توسعه سیاسی، کوشش در افزایش روحیه همکاری در مردم، اهمیت به مصالح عمومی جامعه و...):

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، به استثنای تحقیق بدیعی، تحقیقات دیگر به طور عمده بر معیارها و ملاک‌های مربوط به شخص روزنامه‌نگار، اعضای هیئت تحریریه و در کل دست‌اندرکاران مطبوعات پرداخته‌اند. در واقع، در این تحقیقات بیشتر افراد مد نظر بوده‌اند تا مطبوعات به عنوان یک نهاد، قواعد و الزامات خاص حرفه مطبوعات.

در تحقیق حاضر، سعی بر این است که بر ملاک‌های مربوط به نهاد مطبوعات تمرکز کرده و نظام‌های جاری مطلوب بر رسانه‌ها را بررسی کنیم. در این راستا، با استفاده از دیدگاه‌های نظری شش‌گانه و نیز ملاک‌ها و معیارهای به کار رفته در تحقیقات پیشین، اصول مطلوب روزنامه‌نگاری را استخراج کرده و نظر پاسخگویان را در خصوص ترجیح و نیز میزان رعایت آنها در روزنامه‌های فعلی، مورد بررسی قرار دهیم. همان‌گونه که مشاهده می‌شود هر کدام از دیدگاه‌های نظری بر معیارهای خاصی تاکید دارند:

برخی از آنها بر آزادی نشر و بیان، و عده‌ای دیگر مسئولیت رسانه‌ها در قبال جامعه و حفظ منافع جمعی را مقدم می‌دانند و بنابراین آزادی نشر کم‌رنگ‌تر می‌شود. برخی بر بیان حقیقت و رعایت اصل عینیت در پخش و انتقال اخبار تاکید می‌کنند و... از آنجا که هر کدام از این دیدگاه‌ها در شرایط اجتماعی و تاریخی خاصی شکل گرفته‌اند و حامل ارزش‌های رایج در آن شرایط هستند، به تنهایی نمی‌توانند تصویری جامع از نظام مطلوب روزنامه‌نگاری را برای ما ترسیم نمایند. بنابراین، با لحاظ کردن هر شش نظریه و معیارهای مورد نظر آنها، سعی بر

این است که مدلی جامع از ملاک‌های مطلوب را به دست دهیم. در این مورد مولفه‌های مختلفی مد نظر است که می‌توانند نمایانگر تمامی ابعاد مطبوعات به عنوان یک نهاد باشند، نهادی که هم کنشگران فردی و هم روال سازمانی و ساختار بنیادی آن را در بر می‌گیرد. این معیارها، ابعاد مختلفی از نحوه ارائه خبر و تفکیک اصل از تفسیر آن و موضع‌گیری فردی تا رعایت صداقت و درستی در اخبار، مسئولیت در قبال حاکمیت ملی و نظم عمومی، انتقادپذیری و فضای دموکراتیک و احترام به آزادی‌های فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس شش معیار کلی عینیت‌گرایی، بیان حقیقت، مسئولیت اجتماعی، مطبوعات به عنوان حوزه عمومی، رعایت حریم خصوصی، آزادی و استقلال مطبوعات را در نظر گرفته که هر کدام از آنها خود دارای مولفه‌های ریزتری هستند.

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و روش تحقیق، روش پیمایشی است. اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه و با مراجعه حضوری به پاسخگویان گردآوری شده‌اند. تحقیق پیمایشی نوعی تحقیق است که در آن از گروه‌های معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص (که برای همه افراد یکسان است) پاسخ دهند. این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات تحقیق را نشان می‌دهد. تحقیق پیمایشی، جمعیت‌های کوچک و بزرگ (یا کل‌ها) را با انتخاب و مطالعه نمونه‌های منتخب از آنها برای کشف میزان نسبی شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهد. از پیمایش برای هدف‌های توصیفی، تبیینی و اکتشافی استفاده می‌شود و عمدتاً پیمایش در مطالعاتی که در آنها فرد، واحد تحلیل است به کار گرفته می‌شود. تحقیق پیمایشی بهترین روش موجود برای آن دسته از پژوهندگان اجتماعی است که علاقه‌مند به جمع‌آوری داده‌های اصلی از جمعیت‌های بسیار بزرگی هستند که نمی‌توانند به طور مستقیم آنها را مشاهده کنند. بنابراین، با نمونه‌گیری دقیق؛ گروهی از پاسخگویان را انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های آنها منعکس‌کننده ویژگی‌های جمعیت بزرگ‌تر باشد و پرسشنامه‌های استاندارد شده دقیق، داده‌هایی به دست می‌دهند که با داده‌های همه پاسخگویان، شباهت دارند. (دواس، ۱۳۸۵، بیکر، ۱۳۸۱)

جامعه آماری تحقیق را کلیه روزنامه‌نگاران شهر تهران (به استثنای روزنامه‌های ورزشی و روزنامه‌های مورد بررسی) تشکیل می‌دهند. جامعه آماری در زمان اجرای تحقیق مشتمل بر ۲۵۰۰ روزنامه‌نگار بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و حجم نمونه با ضریب اعتماد ۹۵ درصد و خطای استاندارد ۰/۰۶، ۲۴۰ نفر به دست آمده است که به منظور غلبه بر مشکلات احتمالی بی‌جوابی، به ۲۸۲ نفر افزایش یافته است. نمونه‌گیری به روش غیراحتمالی و به استفاده از نوع نمونه در دسترس، صورت گرفته است. برای بررسی اعتبار ابزار تحقیق، از شیوه اعتبار صوری (مراجعه به داوران و اساتید و کارشناسان جهت بررسی ابزار) استفاده شده و پایایی ابزار نیز از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شده است که مقدار آن برای تمامی متغیرها بالای ۰/۸ بوده و پایایی بالای ابزار را می‌رساند.

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و تحلیل‌های تک متغیره و دو متغیره استفاده شده است، بدین صورت که پس از ارائه جداول تک‌بعدی و توزیع فراوانی و درصدی متغیرها در میان جمعیت نمونه، به تحلیل دو متغیره روابط پرداخته‌ایم. سطح سنجش متغیر مستقل تحقیق، اسمی و متغیرهای وابسته اسمی و ترتیبی بوده‌اند. از آنجایی که در تحلیل دو متغیره، اگر سطوح سنجش متغیرها ناهمسان باشد، سطح سنجش پایین‌تر را ملاک قرار می‌دهیم (دواس، ۱۳۸۵: ۱۷۳-۶۷، کورتز، ۱۳۷۴: ۴۷-۳۴۲، کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۰۰)، بنابراین، در تحلیل دو متغیره تحقیق حاضر از آزمون خی دو و ضریب مبتنی بر آن یعنی V کرامر (که مختص جداول مستطیلی شکل است) استفاده کرده‌ایم.

یافته های پژوهش

جدول ۱. سیمای پاسخ گویان بر حسب متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	مقوله ها	فراوانی	درصد	متغیر	مقوله ها	فراوانی	درصد	
نظام هنجاری مرجع	اقتدارگرا	۱۲	۴,۳	۱. جنسیت	مرد	۱۲۹	۴۶,۱	
	آزادی گرا	۱۱۱	۳۹,۶		زن	۱۵۱	۵۳,۹	
	مسئولیت اجتماعی	۷۳	۲۶,۱		جمع کل	۲۸۰	۱۰۰	
	نظام هنجاری حاکم بر مظلومیت	مسئولیت اجتماعی	۰	۰	۲. رشته تحصیلی	مرتبط	۸۳	۲۹,۶
		مسئولیت اجتماعی	۳۳	۱۱,۸		غیر مرتبط	۱۶۳	۵۸,۲
		مشارکت دموکراتیک	۴۱	۱۴,۶		بی جواب	۳۴	۱۲,۱
		بی جواب	۱۰	۳,۶		جمع کل	۲۸۰	۱۰۰
جمع کل		۲۸۰	۱۰۰	۳. سمت در نشریه		سردبیر، اعضای شورای سردبیری، دبیر سرویس و جانشین دبیر سرویس	۷۴	۲۶,۴
اقتدارگرا		۱۲۵	۴۴,۶			خبرنگار، گزارشگر	۱۹۸	۷۰,۷
آزادی گرا		۲۸	۱۰			بی جواب	۸	۲,۹
مسئولیت اجتماعی	۳۳	۱۱,۸	جمع کل		۲۸۰	۱۰۰		
سابقه فعالیت	مسئولیت اجتماعی	۱۲	۴,۳	۴. میزان تحصیلات	محافظه کار(اصولگرا)	۱۱۴	۴۰,۷	
	مسئولیت اجتماعی	۳۳	۱۱,۸		اصلاح طلب	۱۵۷	۵۶,۱	
	مسئولیت اجتماعی	۳۳	۱۱,۸		نامعلوم	۹	۳,۲	
	مسئولیت اجتماعی	۱۲	۴,۳		جمع کل	۲۸۰	۱۰۰	
	مسئولیت اجتماعی	۱۲	۴,۳		دیپلم و فوق دیپلم	۹۸	۳۵	
سابقه فعالیت	رسانه ای توسعه بخش	۴۴	۱۵,۷	۵. سابقه فعالیت	لیسانس	۱۵۲	۵۴,۳	
	مشارکت دموکراتیک	۲۲	۷,۹		فوق لیسانس	۲۵	۸,۹	
	بی جواب	۱۶	۵,۷		بی جواب	۵	۱,۸	
	جمع کل	۲۸۰	۱۰۰		جمع کل	۲۸۰	۱۰۰	
	کمتر از ۵ سال	۱۱۵	۴۱,۱					
۵ تا ۹ سال	۱۰۰	۳۵,۷						
بیشتر از ۱۰ سال	۴۳	۱۵,۴						
بی جواب	۲۲	۷,۹						
جمع کل	۲۸۰	۱۰۰						

طبق یافته‌های جدول ۵۳/۹ درصد از پاسخگویان زن و ۴۶/۱ درصد از آنها مرد و اکثر پاسخگویان (۵۴/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی هستند. ضمن اینکه افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد کمترین (۸/۹ درصد) فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است که پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم ۳۵ درصد و ۵ نفر (۱/۸ درصد) میزان تحصیلات خود را اظهار نکرده‌اند. ۲۹,۶ درصد از پاسخگویان دارای رشته تحصیلی مرتبط با حرفه روزنامه‌نگاری (ارتباطات، روزنامه‌نگاری، خبرنگاری) و ۵۸/۲ درصد از آنها دارای رشته تحصیلی غیر مرتبط هستند. ۱۲/۱ درصد از پاسخگویان، رشته تحصیلی خود را اعلام نکرده‌اند. سابقه فعالیت ۱۴,۱ درصد از پاسخگویان کمتر از ۵ سال و افراد با سابقه فعالیت بیشتر از ۱۰ سال، کمترین فراوانی (۱۵/۴ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. ۳۵/۷ درصد از آنها سابقه فعالیت ۵-۹ سال دارند و ۲۲ نفر (۷/۹ درصد) نیز سابقه فعالیت خود را اظهار نکرده‌اند. ۲۶,۴ درصد از پاسخگویان دارای سمت «سردبیر، عضو شورای سردبیری، دبیرسرویس و یا جانشین دبیر سرویس» و ۷۰/۷ درصد از پاسخگویان «خبرنگار یا گزارشگر» هستند. ۴۴/۶ درصد از پاسخگویان اعتقاد داشته‌اند که نظام هنجاری حاکم بر مطبوعات ایران نظام «اقتدارگرا» است و کمترین میزان اعتقاد به نظام «مسلکی» با ۴/۳ درصد تعلق دارد. ۱۱/۸ درصد، نظام مسئولیت اجتماعی، ۱۵/۷ درصد نظام رسانه‌ای توسعه‌بخش و ۷/۹ درصد نیز نظام دموکراتیک را نظام هنجاری حاکم بر مطبوعات ایران دانسته‌اند. بنابراین، بیشترین تعداد روزنامه‌نگاران مورد بررسی، نظام حاکم بر مطبوعات ایران را نظام اقتدارگرا می‌دانند.

ویژگی‌های برجسته نظام اقتدارگرا، مطابق با ادبیات نظری، پرهیز رسانه‌ها از انجام اقدامات مخمل نظم موجود، اطاعت و تابعیت از قدرت مستقر، موجه بودن سانسور برای اجرای اصول اساسی و عدم استقلال سازمانی روزنامه‌نگاران است (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۱۶۴-۱۶۲).

در واقع، بیشتر روزنامه‌نگاران معتقدند که این ویژگی‌ها در نظام کنونی مطبوعاتی ایران دیده می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاران مورد بررسی، فاقد احساس آزادی و خودمختاری در حیطه تخصص خود بوده و در کار خود الزام‌هایی بیرونی را احساس می‌کنند. این احساس در خصوص نهاد روزنامه‌نگاری نیز وجود دارد، چرا که یکی از ویژگی‌های نظام هنجاری اقتدارگرا، اطاعت روزنامه‌ها از قدرت موجود و موجه بودن سانسور است. این مسئله می‌تواند موجب دلزدگی روزنامه‌نگاران از کار و وظایف فراهم آورده و در درازمدت مانع از

آن شود که مطبوعات بتوانند نقش خطیر خود را در فرآیند توسعه ایفا نمایند.

اکثر پاسخگویان (۳۹/۷ درصد) ترجیح می‌دهند که نظام آزادی‌گرا، نظام هنجاری مطبوعات باشد. به همین ترتیب نظام مسئولیت اجتماعی (۲۶/۱ درصد) ترجیح دوم پاسخگویان است. ضمن اینکه هیچ‌کدام از پاسخگویان به نظام مسلکی اعتقاد ندارند و نظام اقتدارگرا (۴/۳ درصد) رتبه دوم کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. ۴۰/۷ درصد پاسخگویان دارای گرایش سیاسی «محافظه کار و اصولگرا» و ۵۶/۱ درصد از آنها دارای گرایش سیاسی «اصلاح طلب» هستند. بنابراین، بیشترین تعداد روزنامه‌نگاران مورد بررسی، نظام هنجاری آزادی‌گرا را ترجیح می‌دهند که ویژگی آن طبق ادبیات نظری، مخالفت با سانسور، آزادی انتقاد از مسئولین، مقامات حکومتی، حزبی و استقلال سازمانی روزنامه‌نگاران است. این ویژگی‌ها و ترجیح آنها از سوی روزنامه‌نگاران می‌تواند نشانه‌ای از کمبود و عدم استقلال و آزادی باشد که با آن مواجه هستند. اما در کنار نظام آزادی‌گرا، دومین انتخاب پاسخگویان نظام مسئولیت اجتماعی بوده است که بر تعهد رسانه‌ها در قبال جامعه تأکید دارد. بنابراین، می‌توان گفت که جامعه مورد بررسی خواهان آزادی بلاشرط و بی‌قید نظام مطبوعاتی نیست، بلکه حدود و ثغوری برای آن قائل است که احتمالاً نظم عمومی و منافع جمعی آنها را تعیین می‌کند. اما اینکه آیا سازگاری این دو اصل بدون نظارت بیرونی و به مدد خودمختاری نهاد مطبوعات امکان‌پذیر است یا اینکه برای تحقق آن باید دست به دامان نهادهای دولتی و نظارتی شد، مسئله جداگانه‌ای است که هدف تحقیق حاضر نبوده و براساس داده‌های کنونی، نمی‌توان به آن پاسخ گفت.

جدول ۲. توزیع دیدگاه پاسخگویان در خصوص معیارهای مطلوب روزنامه‌نگاری

به تفکیک روزنامه‌ها

معیارهای مطلوب	روزنامه‌ها	کاملاً مخالف		مخالف		موافق		کاملاً موافق		بی‌جواب		جمع کل	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
مسئولیت اجتماعی	کیهان	۷۸	۲۷،۹	۷۸	۲۷،۹	۱۰۴	۳۸،۲	۱۷	۶،۱	۰	۰	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۱۰	۳،۶	۱۰۸	۳۸،۶	۱۴۳	۵۱،۱	۱۹	۶،۸	۰	۰	۲۸۰	۱۰۰
رعایت حریم خصوصی	کیهان	۶۶	۲۳،۶	۹۶	۳۴،۳	۸۹	۳۱،۸	۲۹	۱۰،۴	۰	۰	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۱۱	۳،۹	۹۶	۳۴،۳	۱۴۰	۵۰	۳۳	۱۱،۸	۰	۰	۲۸۰	۱۰۰
رعایت اصل مطبوعات به عنوان حوزه عمومی	کیهان	۷۵	۲۶،۸	۹۴	۳۳،۶	۱۰۲	۳۶،۴	۷	۲،۵	۲	۰،۷	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۲۵	۸،۹	۱۱۳	۴۰،۴	۱۱۹	۴۲،۵	۲۱	۷،۵	۲	۰،۷	۲۸۰	۱۰۰
اعتماد ملی	کیهان	۲۰	۷،۱	۹۸	۳۵	۱۳۹	۴۹،۶	۲۳	۸،۲	۰	۰	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۳۳	۱۱،۸	۱۰۸	۳۸،۶	۱۱۱	۳۹،۶	۲۸	۱۰	۰	۰	۲۸۰	۱۰۰
عینیت‌گرایی	کیهان	۷۵	۲۶،۸	۹۴	۳۳،۶	۱۰۲	۳۶،۴	۷	۲،۵	۲	۰،۷	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۲۵	۸،۹	۱۱۳	۴۰،۴	۱۱۹	۴۲،۵	۲۱	۷،۵	۲	۰،۷	۲۸۰	۱۰۰
اعتماد ملی	کیهان	۹۵	۳۳،۹	۱۰۱	۳۶،۱	۶۸	۲۴،۳	۱۳	۴،۶	۳	۱،۱	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۳۶	۱۲،۹	۱۳۱	۴۶،۸	۸۵	۳۰،۴	۲۵	۸،۹	۳	۱،۱	۲۸۰	۱۰۰
استقلال و آزادی مطبوعات	کیهان	۲۱	۷،۵	۱۱۳	۴۰،۴	۱۱۸	۴۲،۱	۲۰	۷،۱	۸	۲،۹	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۷	۲،۵	۱۰۶	۳۷،۹	۱۴۱	۵۰،۴	۱۸	۶،۴	۸	۲،۹	۲۸۰	۱۰۰
اعتماد ملی	کیهان	۴۹	۱۷،۵	۱۳۸	۴۹،۳	۷۴	۲۶،۴	۱۶	۵،۷	۳	۱،۱	۲۸۰	۱۰۰
	همشهری	۳	۱،۱	۱۳۱	۴۶،۸	۱۲۲	۴۳،۶	۱۶	۵،۷	۸	۲،۹	۲۸۰	۱۰۰

طبق اطلاعات جدول، ۵۷/۹ درصد پاسخگویان با وجود و رعایت معیار مسئولیت اجتماعی در روزنامه همشهری موافق و خیلی موافق بوده‌اند. این میزان برای روزنامه اعتماد ملی ۵۷/۸ درصد و برای روزنامه کیهان ۴۴/۳ درصد بوده است. میزان موافقت پاسخگویان با معیار رعایت

حریم خصوصی در روزنامه همشهری (۶۱/۸ درصد) بیشترین و در روزنامه کیهان (۴۲/۲ درصد) کمترین است. این میزان در روزنامه اعتماد ملی ۴۹/۶ درصد بوده است. به لحاظ معیار عینیت‌گرایی، ۵۹/۶ درصد پاسخگویان با رعایت این معیار در روزنامه همشهری موافق و بسیار موافق بوده‌اند. این میزان در روزنامه اعتماد ملی ۵۸/۹ درصد و در روزنامه کیهان ۴۳/۵ درصد بوده است. به لحاظ رعایت معیار اصل مطبوعات به عنوان حوزه عمومی ۳۹/۳ پاسخگویان در روزنامه همشهری موافق و کاملاً موافق بوده‌اند که این عدد در در روزنامه اعتماد ملی ۳۲/۱ درصد و در روزنامه کیهان ۲۸/۹ درصد بوده است. ۵۶/۸ درصد پاسخگویان با رعایت معیار استقلال و آزادی مطبوعات در روزنامه همشهری موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. این میزان برای روزنامه اعتماد ملی ۴۹/۳ درصد و برای روزنامه کیهان ۴۹/۲ درصد بوده است. بنابراین، در تمامی معیارهای مورد بررسی، روزنامه همشهری از دید پاسخگویان در وضعیت بهتری قرار دارد. یعنی به اعتقاد آنها روزنامه همشهری به نظام هنجاری مطلوب و مرجح آنها نزدیک‌تر است و روزنامه کیهان بیشترین فاصله را با این نظام دارد.

جدول ۳. توزیع نظر پاسخگویان به تفکیک گرایش سیاسی در خصوص رعایت معیار مسئولیت اجتماعی

توسط روزنامه‌های مورد بررسی

روزنامه		کیهان				همشهری				اعتماد ملی		گرایش سیاسی نظر پاسخگو
محافظة کار		اصلاح طلب		محافظة کار		اصلاح طلب		محافظة کار		اصلاح طلب		
درصد	فرکانس	درصد	فرکانس	درصد	فرکانس	درصد	فرکانس	درصد	فرکانس	درصد	فرکانس	
۲۱	۱۸،۴	۵۲	۳۳،۱	۳	۲،۶	۷	۴،۵	۱۶	۱۴	۴	۲،۵	کاملاً مخالف
۲۸	۲۴،۶	۴۹	۳۱،۲	۳۸	۳۳،۳	۶۵	۴۱،۴	۳۰	۲۶،۳	۶۳	۴۰،۱	مخالف
۵۶	۴۹،۱	۴۸	۳۰،۶	۶۶	۵۷،۹	۷۴	۴۷،۱	۵۷	۵۰	۷۸	۴۹،۷	موافق
۹	۷،۹	۸	۵،۱	۷	۶،۱	۱۱	۷	۱۱	۹،۶	۱۲	۷،۶	کاملاً موافق
۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	جمع
مقدار آزمون خی دو		۱۳،۰۷				۳،۲۸				۱۵،۷۹		
سطح معنی داری		۰،۰۰۴				۰،۳۵				۰،۰۰۱		
نتیجه آزمون		وجود رابطه				عدم وجود رابطه				وجود رابطه		
مقدار آماره ۷ کرامر		۰،۲۲				---				۰،۲۴		

سطح معنی دار به دست آمده از آزمون خی دو برای بررسی رابطه میان دو متغیر در، روزنامه کیهان ۰/۰۰۴ و در روزنامه اعتماد ملی ۰/۰۰۱ است که به لحاظ آماری معنی دارند. بنابراین می توان گفت که بین نظر پاسخگویان در خصوص رعایت معیار مسئولیت اجتماعی توسط روزنامه های مورد بررسی و گرایش سیاسی آنها در مورد روزنامه های کیهان و اعتماد ملی رابطه معنی دار وجود دارد. طبق یافته های جدول، ۵۷ درصد از محافظه کاران با رعایت این معیار در روزنامه کیهان موافق و کاملاً موافق بوده اند و این نسبت در میان اصلاح طلبان ۳۵/۷ درصد بوده است. همچنین، ۵۹/۶ درصد محافظه کاران با رعایت این معیار در روزنامه اعتماد ملی موافقت کرده اند، در حالی که این نسبت در میان اصلاح طلبان ۵۷/۳ درصد بوده است. ارزیابی دو گروه از رعایت معیار مسئولیت اجتماعی در روزنامه هم شهری تفاوت معنی داری با هم ندارد. بنابراین فرضیه مربوط به رابطه میان دو متغیر تأیید می شود و می توان گفت که روزنامه نگارانی که دارای گرایش سیاسی محافظه کارانه هستند، ارزیابی مثبت تری از رعایت معیار مسئولیت اجتماعی در میان روزنامه های مورد بررسی داشته اند.

جدول ۴. توزیع نظر پاسخگویان به تفکیک گرایش سیاسی در خصوص معیار رعایت حریم خصوصی توسط روزنامه های مورد بررسی

روزنامه		کیهان				هم شهری				اعتماد ملی		گرایش سیاسی نظر پاسخگو	
		محافظه کار		اصلاح طلب		محافظه کار		اصلاح طلب		محافظه کار			اصلاح طلب
فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد
کاملاً مخالف	۱۸	۱۵،۸	۴۴	۲۸	۱	۰،۹	۱۰	۶،۴	۱۴	۱۲،۳	۱۸	۱۱،۵	
مخالف	۴۱	۶	۵۲	۳۳،۱	۴۸	۴۲،۱	۴۷	۲۹،۹	۴۷	۴۱،۲	۵۴	۳۴،۴	
موافق	۳۹	۳۴،۲	۴۸	۳۰،۶	۵۲	۴۵،۶	۸۱	۵۱،۶	۴۴	۳۸،۶	۶۶	۴۲	
کاملاً موافق	۱۶	۱۴	۱۳	۸،۳	۱۳	۱۱،۴	۱۹	۱۲،۱	۹	۷،۹	۱۹	۱۲،۱	
جمع	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	
مقدار آزمون خی دو		۶،۷۹			۸،۲۱					۲،۱۹			
سطح معنی داری		۰،۰۸			۰،۰۴					۰،۵۳			
نتیجه آزمون		عدم وجود رابطه			وجود رابطه					عدم وجود رابطه			
مقدار آماره χ^2 کرامر		---			۰،۱۷					---			

طبق اطلاعات جدول شماره ۴، ارزیابی روزنامه‌نگاران از میزان توجه به معیار رعایت حریم خصوصی، در میان دو روزنامه کیهان و اعتماد ملی تفاوت معنی‌داری با هم ندارد. به عبارتی، گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران بر ارزیابی آنها از رعایت این معیار در دو روزنامه کیهان و اعتماد ملی تاثیر ندارد. اما سطح معنی‌دار به دست آمده از آزمون خی دو برای روزنامه همشهری، ۰/۰۴ است که به لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان گفت که بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و نگرش آنها به رعایت معیار حریم خصوصی در روزنامه همشهری رابطه وجود دارد. طبق یافته‌های جدول، ۵۷ درصد از محافظه‌کاران با رعایت این معیار در روزنامه همشهری موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. این نسبت در میان اصلاح‌طلبان ۶۳/۷ درصد بوده است. به عبارتی، روزنامه‌نگاران اصلاح طلب ارزیابی مثبت‌تری از وجود معیار رعایت حریم خصوصی در روزنامه همشهری داشته‌اند.

جدول ۵. توزیع نظر پاسخگویان به تفکیک گرایش سیاسی در خصوص رعایت معیار عینیت‌گرایی توسط

روزنامه‌های مورد بررسی

اعتماد ملی		همشهری				کیهان				روزنامه		
اصلاح طلب		محافظه کار		اصلاح طلب		محافظه کار		اصلاح طلب		محافظه کار		گرایش سیاسی نظر پاسخگو
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰,۲	۱۴	۱۴	۱۶	۸,۹	۱۴	۹,۶	۱۱	۳۳,۱	۵۲	۱۸,۴	۲۱	کاملاً مخالف
۴۴,۶	۷۰	۳۲,۵	۳۷	۴۵,۹	۷۲	۳۳,۳	۳۸	۳۱,۸	۵۰	۳۶	۴۱	مخالف
۳۸,۲	۶۰	۳۹,۵	۴۵	۳۹,۵	۶۲	۴۷,۴	۵۴	۳۵	۵۵	۴۰,۴	۴۶	موافق
۷	۱۱	۱۴	۱۶	۵,۷	۹	۹,۶	۱۱	۰	۰	۵,۳	۶	کاملاً موافق
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	جمع
۶,۵۹		۴,۹۲				۱۴,۳۹				مقدار آزمون خی دو		
۰,۰۹		۰,۱۸				۰,۰۰۲				سطح معنی‌داری		
عدم وجود رابطه		عدم وجود رابطه				وجود رابطه				نتیجه آزمون		
---		---				۰,۲۳				مقدار آماره ۷ کرامر		

آن گونه که یافته‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، بین ارزیابی روزنامه‌نگاران از میزان رعایت معیار عینیت‌گرایی در میان دو روزنامه همشهری و اعتماد ملی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به بیان دیگر، گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران تأثیری بر ارزیابی آنها از میزان عینیت‌گرایی در دو روزنامه همشهری و اعتماد ملی ندارد. اما تفاوت موجود در ارزیابی روزنامه‌نگاران در خصوص روزنامه کیهان به لحاظ آماری معنی‌دار است و نشان می‌دهد که میزان موافقت یا مخالفت روزنامه‌نگاران در مورد رعایت معیار عینیت‌گرایی در روزنامه کیهان براساس گرایش سیاسی آنها تفاوت وجود دارد. طبق یافته‌های جدول، ۴۵/۷ درصد از محافظه‌کاران با رعایت معیار عینیت‌گرایی در روزنامه کیهان موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. این نسبت در میان اصلاح طلبان ۳۵ درصد بوده است. به عبارتی، روزنامه‌نگاران محافظه‌کار ارزیابی مثبت‌تری از رعایت معیار عینیت‌گرایی در روزنامه کیهان داشته‌اند.

جدول ۶. توزیع نظر پاسخگویان به تفکیک گرایش سیاسی در خصوص رعایت اصل مطبوعات به عنوان

حوزه عمومی توسط روزنامه‌های مورد بررسی

اعتماد ملی		همشهری				کیهان				روزنامه		
اصلاح طلب		محافظه کار		اصلاح طلب		محافظه کار		اصلاح طلب		محافظه کار		گرایش سیاسی نظر پاسخگو
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۰,۴	۳۲	۱۴,۹	۱۷	۱۲,۱	۱۹	۱۴,۹	۱۷	۴۲,۷	۶۷	۲۱,۹	۲۵	کاملاً مخالف
۴۵,۹	۷۲	۵۲,۶	۶۰	۴۹,۷	۷۸	۴۳	۴۹	۳۳,۸	۵۳	۴۰,۴	۴۶	مخالف
۲۹,۳	۴۶	۲۴,۶	۲۸	۳۱,۸	۵۰	۲۹,۸	۳۴	۲۲,۹	۳۶	۲۷,۲	۳۱	موافق
۴,۵	۷	۷,۹	۹	۶,۴	۱۰	۱۲,۳	۱۴	۰,۶	۱	۱۰,۵	۱۲	کاملاً موافق
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۱۴	جمع
۳,۵۸		۳,۷۲				۲۳,۱۱				مقدار آزمون خی دو		
۰,۳۱		۰,۲۹				۰,۰۰۰				سطح معنی داری		
عدم وجود رابطه		عدم وجود رابطه				وجود رابطه				نتیجه آزمون		
---		---				۰,۲۹				مقدار آماره ۷ کرامر		

طبق اطلاعات جدول شماره ۶، سطح معنی‌دار به دست آمده از رابطه میان دو متغیر در خصوص روزنامه کیهان، ۰/۰۰۰ بوده که به لحاظ آماری معنی‌دار است و نشان می‌دهد که میان ارزیابی روزنامه‌نگاران از رعایت معیار تلقی کردن مطبوعات به عنوان حوزه عمومی، بر حسب گرایش سیاسی آنها رابطه وجود دارد. آن گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهند، ۳۷/۷ درصد از روزنامه‌نگاران محافظه‌کار با رعایت اصل تلقی مطبوعات به عنوان حوزه عمومی در روزنامه کیهان موافق و کاملاً موافق بوده‌اند و این نسبت در میان روزنامه‌نگاران اصلاح طلب، ۲۳/۵ درصد بوده است. به عبارت دیگر، روزنامه‌نگارانی که گرایش سیاسی محافظه‌کارانه داشته‌اند در قیاس با همتایان اصلاح طلب خود، ارزیابی مثبت‌تری از رعایت معیار فوق در رونامه کیهان داشته‌اند. اما تفاوت موجود در ارزیابی دو گروه روزنامه‌نگار در خصوص روزنامه‌های همشهری و اعتماد ملی به لحاظ آماری معنی‌دار نیست، یعنی گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران تأثیری بر ارزیابی آنها از میزان رعایت معیار مطبوعات به عنوان حوزه عمومی در دو روزنامه همشهری و اعتماد ملی نداشته است.

جدول ۷. توزیع نظر پاسخگویان به تفکیک گرایش سیاسی در خصوص معیار استقلال و آزادی مطبوعات

روزنامه‌های مورد بررسی

روزنامه		کیهان				همشهری				اعتماد ملی	
گرایش سیاسی	نظر پاسخگو	محافظه کار		اصلاح طلب		محافظه کار		اصلاح طلب		اصلاح طلب	
		درصد	فرآیندی	درصد	فرآیندی	درصد	فرآیندی	درصد	فرآیندی	درصد	فرآیندی
کاملاً مخالف	۲	۱۸	۱۹	۱۲	۳	۲	۲	۲	۱	۰	۱
مخالف	۴۶	۴۰	۶۶	۴۲	۴۷	۵۸	۴۱	۳۷	۴۸	۴۲	۸۲
موافق	۵۳	۴۶	۶۴	۴۱	۵۵	۸۵	۴۸	۵۴	۵۹	۵۱	۶۲
کاملاً موافق	۱۳	۱۱	۷	۴	۹	۷	۷	۵	۶	۵	۱۰
جمع	۱۱۴	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰	۱۱۴	۱۵۶	۱۰۰	۱۱۳	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰
مقدار آزمون خی دو		۱۳٫۹۷				۱٫۲۲				۳٫۸۶	
سطح معنی داری		۰٫۰۰۳				۰٫۷۵				۰٫۲۸	
نتیجه آزمون		وجود رابطه				عدم وجود رابطه				عدم وجود رابطه	
مقدار آماره ۷ کرامر		۰٫۲۳				---				---	

براساس اطلاعات جدول شماره ۷، سطح معنی دار به دست آمده از آزمون خی دو برای رابطه میان دو متغیر در خصوص روزنامه کیهان، ۰/۰۰۳ بوده که به لحاظ آماری معنی دار است و نشان می‌دهد که میان ارزیابی روزنامه‌نگاران از رعایت معیار استقلال و آزادی مطبوعات بر حسب گرایش سیاسی آنها رابطه وجود دارد. آن گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهند، ۵۷/۹ درصد از روزنامه‌نگاران محافظه‌کار با رعایت اصل تلقی مطبوعات به عنوان حوزه عمومی در روزنامه کیهان موافق و کاملاً موافق بوده‌اند و این نسبت در میان روزنامه‌نگاران اصلاح طلب، ۴۵/۵ درصد بوده است. به عبارت دیگر، روزنامه‌نگارانی که گرایش سیاسی محافظه‌کارانه داشته‌اند ارزیابی مثبت‌تری از روزنامه‌نگاران اصلاح طلب در خصوص معیار استقلال و آزادی مطبوعات در روزنامه کیهان داشته‌اند. اما تفاوت موجود در ارزیابی دو گروه روزنامه‌نگار در خصوص روزنامه‌های همشهری و اعتماد ملی به لحاظ آماری معنی دار نیست، یعنی گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران تاثیری بر ارزیابی آنها از میزان رعایت معیار استقلال و آزادی مطبوعات در دو روزنامه همشهری و اعتماد ملی نداشته است.

جدول ۸. توزیع نظام هنجاری مرجع پاسخگویان به تفکیک گرایش سیاسی آنها

اصلاح طلب		محافظه کار (اصول گرا)		گرایش سیاسی نظام هنجاری مرجع
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵,۳	۸	۳,۷	۴	اقتدار گرا
۴۰,۱	۶۱	۴۰,۴	۴۴	آزادی گرا
۲۴,۳	۳۷	۳۰,۳	۳۳	مسئولیت اجتماعی
۱۳,۲	۲۰	۱۱,۹	۱۳	رسانه ای توسعه بخش
۱۷,۱	۲۶	۱۳,۸	۱۵	مشارکت دموکراتیک رسانه ای
۱۰۰	۱۵۲	۱۰۰	۱۰۹	جمع
۱,۷۱				مقدار آزمون خی دو
۰,۷۹				سطح معنی داری
عدم وجود رابطه				نتیجه آزمون

مقدار خی دوی به دست آمده از رابطه میان دو متغیر ۱/۷۱ و سطح معنی داری آن ۰/۷۹ است که فاقد معنی داری آماری است. بنابراین، می‌توان گفت که بین دو متغیر رابطه وجود

ندارد. به عبارتی، گرایش سیاسی افراد تأثیری بر نوع نظام هنجاری مطلوب آنها ندارد. این مسئله احتمالاً به این دلیل است که در خصوص نظام هنجاری مطلوب، نوعی وفاق و اجماع در میان روزنامه‌نگاران دارای گرایش‌های سیاسی مختلف وجود دارد و همین اجماع باعث می‌شود که ترجیحات آنها تفاوت معنی‌داری با هم نداشته باشد. آن‌گونه که در بخش توصیف داده‌ها مشاهده شد، نظام هنجاری مطلوب روزنامه‌نگاران نظام آزادی‌گرا و در مرتبه دوم نظام مسئولیت اجتماعی است. این دو نظام در مجموع، نظام مطلوب ۶۵/۷ درصد روزنامه‌نگاران مورد بررسی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، اکثریت پاسخگویان در خصوص نظام هنجاری مرجح اتفاق نظر دارند و در نتیجه گرایش سیاسی آنها تفاوتی در این زمینه ایجاد نمی‌کند.

بنابراین، در جمع‌بندی روابط بین متغیرهای تحقیق می‌توان گفت که بین گرایش سیاسی پاسخگویان و نوع نگرش آنها به روزنامه کیهان در خصوص رعایت معیارهای مسئولیت اجتماعی، عینیت‌گرایی مطبوعات به عنوان حوزه عمومی، استقلال و آزادی مطبوعات تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بین گرایش سیاسی پاسخگویان و نوع نگرش آنها به روزنامه همشهری از نظر رعایت معیارهای مسئولیت اجتماعی، عینیت‌گرایی، مطبوعات به عنوان حوزه عمومی و استقلال و آزادی مطبوعات تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما از نظر رعایت حریم خصوصی این رابطه معنی‌دار است. بین گرایش سیاسی پاسخگویان و نوع نگرش آنها به روزنامه اعتماد ملی تنها در مورد رعایت معیار مسئولیت اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد و در مورد سایر معیارها، رابطه معنی‌دار نیست.

جمع بندی و نتیجه گیری

هدف این تحقیق بررسی رابطه میان گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و نظام هنجاری مطلوب آنها و نیز رعایت این نظام در میان سه روزنامه کثیرالانتشار کیهان، همشهری و اعتماد ملی بوده و در این راستا به بررسی نگرش‌های ۲۸۰ نفر از روزنامه‌نگاران شهر تهران با استفاده از پرسشنامه پرداخته است. در این راستا، دو پرسش اساسی را مطرح کرده‌ایم:

اول: نظام هنجاری مطلوب رسانه‌ای از دیدگاه روزنامه‌نگاران شهر تهران کدام است؟

دوم: کدام یک از روزنامه‌های مورد بررسی، ملاک‌ها و معیارهای مطلوب روزنامه‌نگاری را

بیشتر رعایت می‌کنند؟

در خصوص پرسش اول، نتایج تحقیق نشان می‌دهند که نظام هنجاری آزادی گرا با ۳۹/۶ درصد بیشترین نسبت را در میان جمعیت نمونه داشته است و در واقع، نظام هنجاری مرجح جمعیت مورد بررسی از نوع نظام آزادی گرا است. ویژگی این نوع نظام، آن گونه که در مباحث نظری دیدیم، مخالفت با سانسور، آزادی انتقاد از مسئولین و مقامات حکومتی و حزبی، آزادی نشر و بیان افکار ولو اینکه اشتباه باشد، عدم اعمال محدودیت بر صادرات و واردات پیام‌های برون مرزی، و استقلال سازمانی روزنامه‌نگاران است (ویتور، ۱۹۷۳: ۱۶۸-۱۶۴).

این ویژگی‌ها و ترجیح آنها از سوی اکثریت جمعیت مورد بررسی، در واقع به نوعی بازتاب دهنده سلسله مراتب و جهت‌گیری‌های ارزشی در میان آنها، و به نوعی در جامعه امروز ایران هستند. تقویت این نگرش‌ها می‌تواند به ارتقاء و بهبود جایگاه کنونی مطبوعات و از این طریق به توسعه فرهنگی و حتی سیاسی در جامعه ایران کمک‌های شایانی نماید. نظام هنجاری مسئولیت اجتماعی با ۲۶/۱ درصد رتبه دوم را در میان روزنامه‌نگاران داشته است. تعهدپذیری مطبوعات در قبال جامعه، فعالیت رسانه‌ها در چارچوب قانون و نهادهای مستقر خودگردان، پرهیز از هر چیزی که ممکن است به جرم و خشونت و... منجر شود، کثرت‌گرایی و بازتاب گوناگونی موجود در جامعه و پاسخگو بودن روزنامه‌نگاران در قبال جامعه از اصول اساسی این نظام هنجاری به شمار می‌روند. (اسمیت، ۱۹۷۷: ۱۷۱-۱۶۹)

بنابراین، در مجموع نظام هنجاری مرجح ۶۵/۷ درصد از روزنامه‌نگاران مورد بررسی، نظام آزادی گرا و مسئولیت اجتماعی بوده است. بر این اساس می‌توان مدعی شد که اکثریت جمعیت مورد بررسی به وظایف و رسالت‌های خطیر حرفه روزنامه‌نگاری و نقش مطبوعات در توسعه فرهنگی و اجتماعی واقف بوده‌اند. اما با ملاحظه ارزیابی آنها از نظام هنجاری حاکم بر مطبوعات ایران، نتایج متفاوتی به دست آوردیم. طبق نتایج جدول شماره ۱، تنها ۱۰ درصد از پاسخگویان نظام هنجاری حاکم بر مطبوعات ایران را نظام آزادی گرا و ۱۱/۸ درصد آن را نظام مسئولیت اجتماعی ارزیابی و در مقابل، ۴۴/۶ درصد از آنها این نظام را از نوع اقتدارگرا دانسته‌اند. نظام هنجاری اقتدارگرا با ویژگی‌هایی چون پرهیز رسانه‌ها از انجام اقدامات مخل نظم موجود، اطاعات و تابعیت از قدرت مستقر، موجه بودن سانسور برای اجرای اصول اساسی و عدم استقلال سازمانی روزنامه‌نگاران مشخص می‌شود. (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۱۶۴-۱۶۲)

این تفاوت میان نظام هنجاری مرجح روزنامه‌نگاران مورد بررسی و دیدگاه آنها در

خصوص نظام هنجاری موجود، نشان‌گر نوعی شکاف و فاصله میان ایده‌آل‌ها و وضعیت موجود و اعمال محدودیت از جانب کانون‌های قدرت بر مطبوعات و عدم استقلال سازمانی آنهاست. این مسئله می‌تواند در درازمدت منجر به بیگانگی روزنامه‌نگاران از کار و حرفه خود شده و توسعه مطبوعات و نهادهای مدنی را که از الزامات اساسی توسعه فرهنگی و سیاسی هستند، به تأخیر بیندازد.

در خصوص پرسش دوم نیز آن‌گونه که یافته‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهند از لحاظ رعایت معیار مسئولیت اجتماعی توسط روزنامه‌ها، روزنامه همشهری و اعتماد ملی به ترتیب بیشترین و روزنامه کیهان کمترین نمره را کسب کرده‌اند. از لحاظ رعایت معیار حریم خصوصی شهروندان توسط روزنامه‌ها، روزنامه همشهری بالاترین و روزنامه کیهان پایین‌ترین نمره را به دست آورده‌اند. در خصوص رعایت معیار عینیت‌گرایی توسط روزنامه‌های مورد بررسی، روزنامه‌های همشهری و اعتماد ملی به ترتیب بیشترین و روزنامه کیهان کمترین نمره را دریافت کرده‌اند. از نظر رعایت معیار مطبوعات به عنوان حوزه عمومی توسط روزنامه‌ها، روزنامه همشهری بیشترین امتیاز و روزنامه کیهان کمترین امتیاز را به دست آورده‌اند. بالاخره، در خصوص رعایت معیار استقلال و آزادی مطبوعات توسط روزنامه‌ها، روزنامه همشهری بالاترین و روزنامه‌های کیهان و اعتماد ملی به ترتیب پایین‌ترین نمره را دریافت کرده‌اند. این یافته‌ها را مجدداً در یک جدول خلاصه می‌کنیم:

میزان موافقت روزنامه‌نگاران با رعایت معیارها در سه روزنامه			معیارهای مطلوب
اعتماد ملی	همشهری	کیهان	
۵۷٫۸	۵۷٫۹	۴۴٫۳	مسئولیت اجتماعی
۴۹٫۶	۶۱٫۸	۴۲٫۲	رعایت حریم خصوصی
۴۸٫۲	۵۰	۳۸٫۹	عینیت‌گرایی
۳۲٫۱	۳۹٫۳	۲۸٫۹	مطبوعات به عنوان حوزه عمومی
۴۹٫۳	۵۶٫۸	۴۹٫۲	استقلال و آزادی مطبوعات

یافته‌ها نشان می‌دهد در تمام موارد روزنامه همشهری درصد بالاتری از میزان موافقت پاسخگویان را در خصوص رعایت معیارهای مطلوب روزنامه‌نگاری به خود اختصاص داده

است. در واقع، می‌توان گفت که از دید روزنامه‌نگاران مورد بررسی، روزنامه همشهری بیشتر از دو روزنامه دیگر معیارها و ملاک‌های مطلوب روزنامه‌نگاری را رعایت می‌کند.

یکی از فرضیه‌های تحقیق حاضر این بود که بین گرایش سیاسی روزنامه‌نگاران و نظام هنجاری مرجح آنها رابطه وجود دارد. اما نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نظام هنجاری مرجح روزنامه‌نگاران بر حسب گرایش سیاسی آنها تفاوت معنی‌داری با هم ندارد. این عدم تفاوت را می‌توان به دو طریق تفسیر نمود: اول اینکه، مرزبندی‌های موجود جناحی و معیارهای تفکیک احزاب و جریان‌های سیاسی از وضوح و تعریف مشخصی برخوردار نیستند که به تفاوت در نگرش‌های افراد پیرو آنها در زمینه‌های مختلفی غیر از عرصه سیاست جهت‌دهی کنند. به عبارتی، مرزهای فکری و ارزشی میان گرایش‌های موسوم به محافظه‌کار و اصلاح‌طلب در عمل آنقدر صریح و متفاوت نیستند که موجب تفاوت در دیدگاه اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران در باب مسئله‌ای مانند معیارهای ایده‌آل و نظام هنجاری مرجح روزنامه‌نگاران متناسب به دو جناح شوند. دوم اینکه، عرصه مطبوعات به عنوان یک حوزه و خرده نظامی از نظام کلان اجتماعی، دارای قواعد، معیارها و ارزش‌های مختص به خود بوده و از خرده نظام سیاسی استقلال نسبی دارد. از همین رو فعالین این عرصه، با هر گرایش و سلیقه سیاسی که باشند، اعم از اصلاح‌طلب و یا محافظه‌کار، در باب معیارهای مطلوب و کارآمد در عرصه مطبوعات و روزنامه‌نگاری اتفاق نظر دارند و عدم تفاوت در دیدگاه آنها در خصوص نظام هنجاری مرجح نیز از همین مسئله ناشی می‌شود. این که کدام یک از این تفاسیر به واقعیت نزدیک‌تر است، بر اساس داده‌های این تحقیق قابل تشخیص نیست و هرگونه اظهار نظر قطعی در باره آن منوط به انجام تحقیقات گسترده‌تر و عمیق‌تر در باب ارزش‌های بنیادین هر دو عرصه سیاست، نظام مطبوعاتی، روال و رویه‌های عملی آنهاست، تحقیقاتی که انجام آنها را به پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه پیشنهاد می‌کنیم.

منابع

- بدیعی، نعیم (۱۳۸۳)، معیارهای روزنامه نگاری مطلوب در ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- بروجردی علوی، مه‌دخت (۱۳۷۵)، نظام مطلوب مطبوعاتی از دیدگاه روزنامه نگاران ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی مطبوعات ایران، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خان احمدی، علی (۱۳۷۶)، اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه نگاری از دیدگاه روزنامه نگاران ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- خانیک، هادی (۱۳۸۱)، قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: طرح نو.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- عبدی، عباس و کلهر، سمیرا (۱۳۷۰)، میزان اعتقاد به بخش خبری رسانه‌ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۷۷)، روزنامه نگاری آرمانی در جامعه مدنی، فصل‌نامه رسانه، سال نهم، شماره ۲.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۵)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS، تهران: انتشارات مهندسی مشاور طرح و منظر، چاپ دوم.
- کورتز، نورمن (۱۳۷۴)، درآمدی بر آمار در علوم اجتماعی، ترجمه حبیب‌الله تیموری، تهران: نشر نی.
- کوواچ، بیل و روزنستیل، تام (۱۳۸۵)، عناصر روزنامه نگاری، ترجمه داوود حیدری، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- ملک‌لو، محبوبه (۱۳۷۶)، بررسی حقوق و مسئولیت‌های حرفه‌ای روزنامه نگاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

- Enzensberger , H. M. (1970), **Constituents of a Theory of the Media**, *New Left Review* 64:13-36 Also in D. Mc Quail, 1972: 99-116

- Mc Bride, S. et al.(1980), **Many voices, One world**. Report by the International Commission for the study of communication problems. Paris: UNESCO, London: Kogan page.

- Wintour, C. (1972), **Pressures on the Press**. London: Andre Deustch.

Survey on the Effect of Normative System on Favorite Journalism Criteria

Seyed Mohammad Mahdi Zadeh (Ph.D)*

Farideh Motiei (M.A)**

Abstract

According to the significant role of the press in cultural and political development of a society and importance of a normative press system to guide the course and containing of magazines, this research is going to study consideration of idealistic criterions of journalism in the magazines Keyhan, Ham Shahri, and E`temad Melli and the role of responders` political attitude in choosing normative system and evaluation of considering favorite criterions by those magazines.

Desirable scales were derived after review of normative theories and record of similar studies. The study was done by survey method and with questionnaire among 280 Tehran journalists selected through non-randomized conveniently sampling.

The survey shows there is no meaningful statistical relationship between political tendency and idealistic normative system of the responders. People of the specimen mostly advocate liberal press system and choose Hamshahri magazine more than 2 other ones regarding observation of desirable press standards.

Key words: Idealistic criteria of journalism, political attitude, normative system

* Assistant professor and faculty member of A`llame Tabatabaei university / mahdizadeh45@yahoo.com *

** MA in communication sciences / farideh.motiei@yahoo.com